**تولیت آستانه‌ حضرت شاه‌چراغ(ع) در اسناد و نسخ خطی**

**(با استناد به نسخ خطی دیوان میرزا احمدمتولی باشی، وقف نامه‌ حبیب‌الله شریفی، طومار استشهاد سادات دشتکی)**

محمدرضا ضیا[[1]](#footnote-1)

سید احمد حسینی کازرونی[[2]](#footnote-2)

سید جعفر حمیدی[[3]](#footnote-3)

دریافت :8/10/1398

پذیرش:21/12/1398

**چکیده**

میرزا احمد متولی باشی متخلص به «روشن» از شعرای گمنام عهد قاجاری است که مدتی منصب تولیت آستان حضرت احمد بن موسی الکاظم شاه‌چراغ(ع) را عهده‌دار بوده است. اهمیت این بقعۀ متبرکه و به‌ تبع آن منصب تولیت این آستان در طول تاریخ مورد ادعای افراد بسیاری واقع شده است. افرادی گاه با انتصاب از سوی امرا و سلاطین و گاهی به عنف آن را تصاحب کرده‌اند. این منصب در عهد صفوی و قاجار بر عهدۀ خاندان حسینی شریفی از نوادگان علامه میرشریف جرجانی بوده است. در نسخه‌ خطی دیوان میرزا احمد متولی باشی اشعاری وجود دارد که بیانگر اختلاف وی با فرد یا افرادی بر سر منصب تولیت آستان حضرت شاه‌چراغ(ع) است. این مقاله به شیوۀ توصیفی، تحلیلی و بر اساس نسخه خطی دیوان اشعار میرزا احمد متولی باشی، وقف‌نامه میرزا حبیب‌الله شریفی تولیت عهد صفوی آستان و طومار خطی استشهادنامه سادات دشتکی به ‌عنوان مدعیان تولیت این آستان‌ که در کتابخانۀ‌ شاه‌چراغ(ع) ثبت و نگهداری می‌شود، این موضوع را بررسی کرده است؛ همچنین زوایای پنهان این اختلاف اعم از آغاز و چگونگی پیدایش اختلاف و سیر انتصاب هر یک از متولیان از عهد صفوی تا دورۀ پهلوی اول را تبیین و تشریح و نتیجه‌گیری کرده است.

**کلیدواژه‌ها**: آستان شاه‌چراغ(ع)، متولی باشی، خاندان شریفی.

**مقدمه**

در دوران مختلف بقعه و بارگاه حضرت احمد بن موسی الکاظم شاه‌چراغ(ع) کانون توجهات و عنایات خاص امرا، سلاطین، رجال مملکتی، علما و مردم بوده است. اتابک ابوبکر سعد بن زنگی بقعه و بارگاه آن حضرت را بنا می‌سازد(عرفان‌منش، 1391: 215). تاشی خاتون، مادر شاه ابواسحاق، مدرسه‌ای بزرگ و زاویه‌ای برای این مزار ساخته ... و شب‌های دوشنبه به زیارت این بقعه می‌آید(همان: 215) و دهکدۀ میمند را وقف آن می‌کند(همان: 217). نادرشاه افشار دستور تعمیر بقعه‌ متبرکه را صادر می‌نماید(همان: 218) و در سال 1243قمری به دستور فتحعلی شاه قاجار ضریحی بر آرامگاه ساخته‌ می‌شود(همان: 219). همۀ‌ این موارد بیانگر اهمیت و جایگاه این آستان نورانی بین امرا و سلاطین و درباریان است. ادارۀ این بقعه‌ متبرکه نیز دغدغه‌ جدی است که گاهی تفویض آن از سوی سلاطین صورت گرفته است.

کلانتری در خصوص تولیت آستان شاه‌چراغ(ع) آورده است «در اینکه چه کسانی از آغاز بنای این حرم، مسئولیت تولیت آن را بر عهده داشته‌اند، اطلاع کافی در دست نیست»(کلانتری، 1390: 185). سپس در ادامه افرادی را با عنوان متولیان آستان آن حضرت نام می‌برد. به ‌هر روی، این جایگاه اعتباری معنوی، مذهبی و سیاسی در طول تاریخ داشته است. در تمامی دوران‌ مورد توجه خاصی بوده و همواره مدعیانی بر سر تصاحب منصب تولیت آن رقابت داشته‌اند. اهمیت موضوع باعث شده اختلافاتی بر سر این جایگاه پدید آید و این منصب از یکی به دیگری و از خاندانی به خانواده‌ای دست‌به‌دست شود.

نسخ خطی و اسناد تاریخی بازمانده از آثارگذشتگان از مهم‌ترین نمونۀ میراث و هویت هر ملتی است. این نسخ و اسناد آینۀ تمام‌نمای وضعیت اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و تاریخ زمان خود هستند. در کتابخانه و مرکز اسناد آستان حضرت شاه‌چراغ(ع) نسخ خطی و اسناد تاریخی منحصر به فرد و دست اولی موجود است که به دلیل دسترسی نداشتن پژوهشگران به آن تاکنون مغفول مانده است. از جمله می‌توان به نسخۀ منحصر به فرد دیوان اشعار میرزا احمد متولی باشی، وقف‌نامه میرزا حبیب الله شریفی اشاره کرد. این مقاله با استناد به اسناد مذکور و دیگر منابع می‌کوشد به شناسایی و معرفی متولیان این آستان و اختلافات آن‌ها در سده‌های گذشته بپردازد و این موضوع را شرح و تبیین کند؛ باشد که رهنمود و رهنمونی برای دیگر پژوهشگران قرار گیرد.

**بیان مسئله**

حین تصحیح نسخۀ‌ خطی دیوان «میرزا احمد متولی باشی متخلص به روشن» به‌ عنوان رساله‌ دکترای زبان و ادبیات فارسی، با اشعاری مواجه شدیم که شاعر ضمن شکوه و گلایه به رجال و بزرگان مملکتی، درصدد اثبات تولیت خود بر آستان‌ مبارکه‌ حضرت شاه‌چراغ(ع) است. این اشعار بیانگر اختلافاتی با فرد یا افرادی در تصاحب این منصب است. با تفحص بیشتر و بررسی نسخ خطی دیگر مرتبط با آستان، مانند وقف‌نامه‌ میرزا حبیب‌الله شریفی، متولی عصر صفویه‌ آستان حضرت احمد بن موسی الکاظم(ع) و گواهی‌ها و استشهادهایی خطی که در این خصوص در دورۀ‌ قاجاری گردآوری‌شده، این موضوع ابعاد تازه‌ای یافت. این مطالب و موارد، محققان را بر آن داشت تا در این فرصت مغتنم مطالب نویافته‌ای را که در دیوان اشعار میرزا احمد متولی باشی ثبت شده با دیگر مطالب مرتبط و تحقیقاتی که توسط محققان پیش‌تر در این زمینه صورت گرفته و به دلایلی همچون دسترسی نداشتن به برخی نسخ خطی مذکور، ناقص مانده، تکمیل و نتایج و نویافته‌ را به ‌صورت یک مقاله ارائه کنند.

**پیشینه و ضرورت پژوهش**

ازآن‌جا ‌که برخی نسخ خطی دارای اطلاعات مهم تاریخی تاکنون دست‌نخورده باقی‌مانده و تحقیق جامعی دربارۀ آن صورت نگرفته، ضرورت دارد این موضوع مهم مد نظر قرار گیرد تا نتیجۀ آن در دسترس پژوهشگران قرار گیرد. بر همین اساس و با توجه به اینکه در خصوص متولیان آستان حضرت شاه‌چراغ(ع) و تبیین اختلافاتی که بر سر این منصب مهم اتفاق افتاده تحقیق جامعی صورت نگرفته است؛ تحقیقات پراکنده‌ای پیش‌تر حول این موضوع صورت گرفته؛ اما به دلیل دسترسی نداشتن محققان به برخی مستندات، مسائل به‌ صورت کامل بیان‌نشده است. در این‌جا به تعدادی از این موارد به‌ صورت مختصر اشاره می‌کنیم:

علی‌اکبر کلانتری(1390) در بخشی از کتاب آفتاب شیراز که پژوهشی نو و جامع دربارۀ شخصیت و مدفن حضرت احمد بن موسی(ع) است به تعدادی از متولیان این آستان بلند آسمان اشاره می‌کند. البته به دلیل دسترسی نداشتن به برخی منابع و نسخ خطی در خصوص تولیت برخی از افراد تشکیک می‌نماید و برای وی مسلم و قطعی نیست.

همچنین محمد برکت(1397) در مقاله‌ای با عنوان«نسخه‌شناسی موقوفات آستان مقدس احمد بن موسی الکاظم شاه‌چراغ(ع) (مطالعه موردی وقف نامه میرزا حبیب‌الله شریفی)» در خصوص متولیان این بقعه مطالب ارزنده‌ای بیان می‌کند.

میرزا حسن فسایی(1388) در فارس‌نامه ناصری نام تعدادی از متولیان را ذکر کرده و به برخی دیگر اشاره نکرده‌اند.

محققان این مقاله پس از مراجعه به نسخ خطی و اسناد تاریخی مرتبط با موضوع و دیگر منابعی که در این زمینه وجود دارد، مطالب مرتبط را گردآوری و دسته‌بندی و در پایان نتایج حاصله را به شیوه ی توصیفی و تحلیلی ارائه کرده‌اند**.**

**معرفی نسخ خطی مورد پژوهش**

**الف.** نسخه‌ خطی دیوان اشعار میرزا احمد متولی باشی به شماره‌ 30 در مرکز پژوهش‌ها و کتابخانه‌ شاه‌چراغ(ع) نگهداری می‌شود و به ‌عنوان رسالۀ‌ دکترا تصحیح ‌شده است. این نسخه به خط شکسته نستعلیق است که با مرکب سیاه توسط شخصی به نام شاکر نوشته‌ شده است. عناوین اشعار و قالب‌های شعری با مرکب قرمز است. نسخه مذکور دارای ۱۰۵ برگ (210صفحه) است که ابعاد آن 5/20در16 در قطع وزیری است. تعداد ابیات هر صفحه بین ۱۳ تا ۱۵ بیت متغیر است. این نسخه هیچ آرایش و تزیینی ندارد؛ دارای رکابه است و آغاز و انجام دارد. شکل1 تصویر بیت اول و شکل 2 تصویر بیت آخر دیوان را نشان می‌دهد.

**آغاز**

بسم‌الله الرحمن الرحیم

هذا دیوان اشعار دُرربار بلاغت آثار سلاله السادات و نجباء العظام ذولاحترام [. . . . ] (ادامه این سطر پاک شده است). دیوان اشعار میرزا احمد متولی باشی با بیت زیر آغاز می‌شود:

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| باز آهنگ دیار ابتلا دارد حسین | | عزم طوف کعبه قرب خدا دارد حسین | |
|  | | (برگ: 4 ن خ) | |
| E:\roshan\30 sh-4_0005.jpg | |
| شکل 1- بیت آغاز دیوان. | |

**انجام**

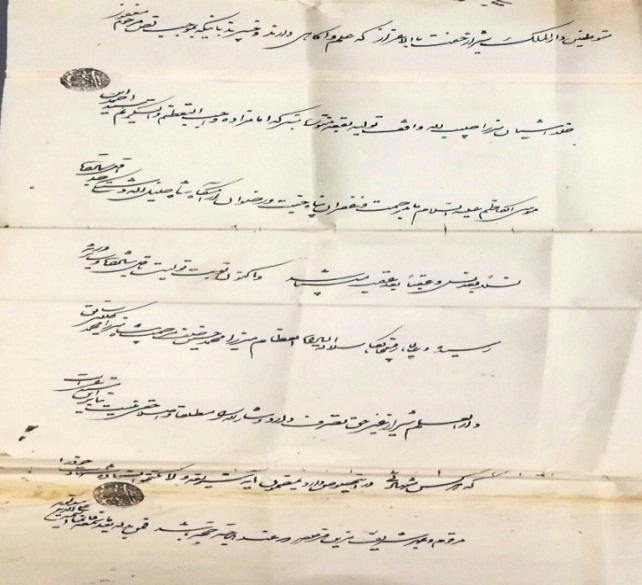
تمت الکتاب بعون الملک الوهاب من کلام روشن کتبت بتاریخ یازدهم شهر ذیقعده الحرام کتبه العبد المذنب لاثم لعالی الواثق بالله المتوکل علی الله، شاکر سنه 1282. (برگ: 209 ن خ)

|  |
| --- |
| E:\roshan\30 sh-4_0108.jpg |
| شکل 2- بیت انجام دیوان. |

**ب:** نسخه خطی (طومار) استشهاد و گواهی شهود سادات دشتکی

سند مذکور به‌صورت نسخه‌ خطی در بخش اسناد اداره کل اوقاف استان فارس ثبت است. تاکنون هیچ‌ گونه تحقیق و پژوهشی دربارۀ طومار مذکور صورت نگرفته است.

با توجه به تاریخ‌های ثبت‌شده در این طومار به نظر می‌رسد این سند در دو تاریخ مجزا تهیه‌ شده است. بخشی از آن در شوال 1238قمری و بخشی دیگر در محرم‌ الحرام سال 1270قمری به رؤیت شاهدان و گواهان رسیده و تکمیل ‌شده است. نسخۀ‌ مذکور به تأیید قریب به 50 نفر از معتمدان، علما و بزرگان آن روزگار رسیده است. مشخصات آن به ‌قرار ذیل است: شکل ظاهری: طومار/ اندازه: 34در175 / تعداد برگ: 1 برگ/ نوع کتابت: خطی/ نوع خط: نستعلیق شکسته/ محل نگهداری سند: بخش اسناد اداره کل اوقاف استان فارس/ تعداد مهرهای سند: 9 / تاریخ‌های موجود در سند: 1238/1270/1331



متن اولیه و مورد استشهاد و گواهی این نسخه بدین قرار است: «استشهاد و استعلام طلب می‌نماید از عالی‌جنابان اقدس القابان. . . رفیع القدر والدرجات و علما و فضلاء کرام و اعاظم و اعیان و اکابر عظام و معتبرین ذوی الاعزار و الاحترام و قاطبه ساکنین و جمهور متوطنین دارالملک شیراز جنت بالاعزاز که علم و آگاهی دارند و خبیرند به اینکه به‌موجب نص مرحوم مغفور خلد آشیان میرزا حبیب اله واقف تولیت بقعه منوره متبرکه امام‌زاده واجب‌التعظیم و التکریم سید احمد بن موسی الکاظم علیه‌السلام با مرحمت و غفران پناه جنت و رضوان آرامگاه شاه خلیل اله دشتکی جد اقل سادات نسلا بعد نسل و عقبا بعد عقب می‌باشد و اکنون نوبت تولیت به اقل سادات و سایر ورثه رسیده و عالی جاه رفیع جایگاه سلاله السادات العظام میرزا محمدحسین (متخلص به عالی پدر میرزا احمد متولی باشی) خلف مرحمت پناه میرزا محمد کلانتر سابق دارالعلم شیراز غیرِحق تصرف دارد و مشارالیه را مطلقاً و اصلاً حقی نیست. بنابراین مستدعی است که هرکس شهادتی در این خصوص دارد به مضمون آیه شریفه وَلَا تَكْتُمُوا الشَّهَادَةَ (بقره آیه283) خود را مرقوم و به مهر شریف مزین فرموده که عندالحاجه حجت باشد. فَمَنْ بَدَّلَهُ بَعْدَمَا سَمِعَهُ فَإِنَّمَا إِثْمُهُ عَلَى الَّذِينَ يُبَدِّلُونَهُ»

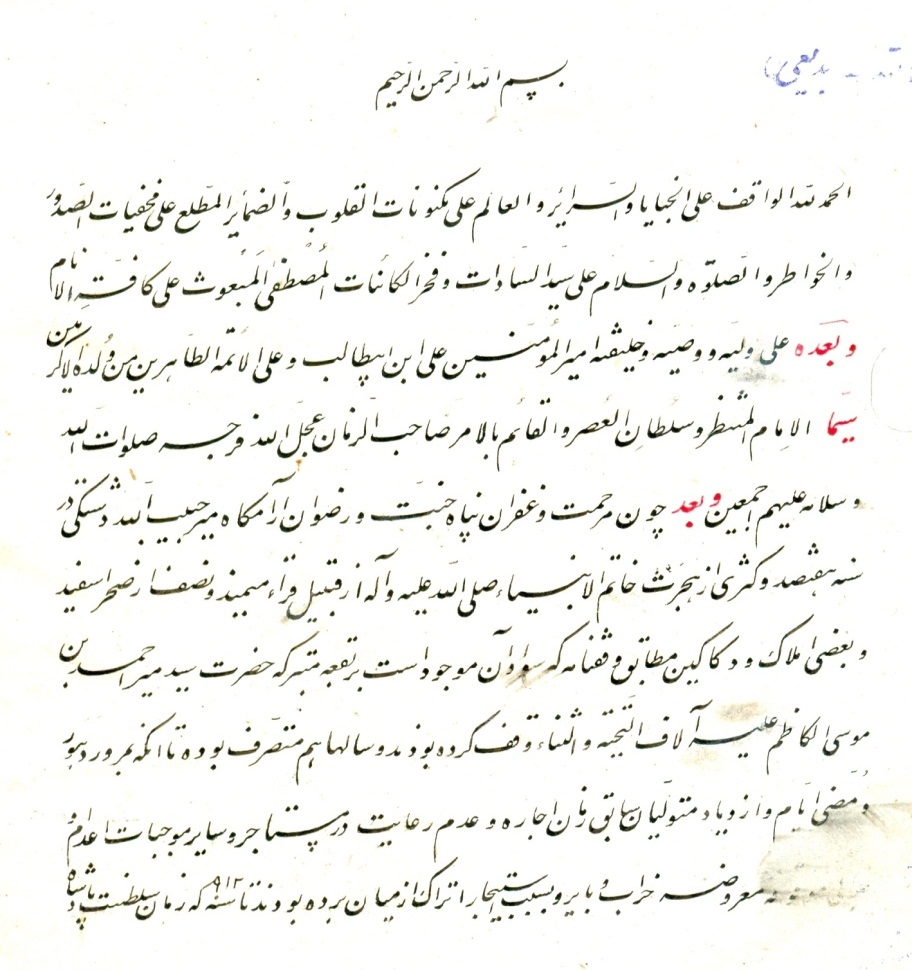
گواهی دوم که در ادامه به آن می‌پردازیم بر اساس این طومار که شرح آن بیان شد در سال 1311قمری تهیه شده است.

**ج**: وقف نامه میرزا حبیب‌الله شریفی و استشهادنامه حضرت سیدمیراحمد بن موسی الکاظم شاه‌چراغ(ع)

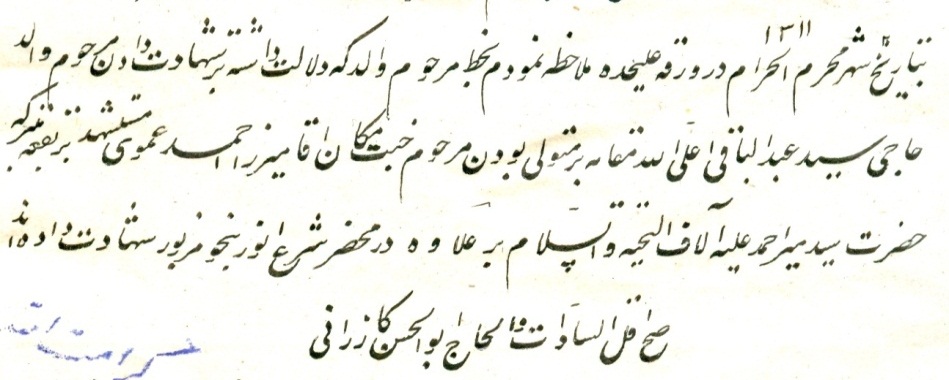
وقف‌نامه خطی مذکور به شمارۀ 2536خ در مرکز پژوهش‌ها و کتابخانه‌ حضرت شاه‌چراغ(ع) ثبت و نگهداری می‌شود. مشخصات آن عبارت‌اند از:

وضعیت خط: نستعلیق / نوع و رنگ کاغذ: سفید آهار و مهره /تزیینات جلد و صحافی: تیماج عسلی زنجیره‌دار با آستر ابر و باد /تزیینات متن: عناوین با مرکب قرمز /حواشی اوراق نسخه: رکابه دارد / 58 برگ ، 17سطر، سطح مکتوب: 11در5/19، قطع: 26در18. سال نگارش1311قمری.

**آغاز نسخه:** بسمله- الحمدلله الواقف علی الخبایا و السرایر و العالم علی مکنونات القلوب. . .



**انجام نسخه:** بتاریخ 2 شهر محرم‌الحرام 1311ق در ورقه علیحده ملاحظه نمودم بخط مرحوم والد که دلالت داشته بر شهادت دادن مرحوم والد حاجی سید عبدالباقی اعلی الله مقامه بر متولی بودن مرحوم جنت مکان آقا میرزا احمد عموی مستشهد بر بقعه متبرکه حضرت سید میراحمد علیه آلاف التحیه و السلام بر علاوه در محضر شرع انور بنحو مزبور شهادت داده‌اند. صح اقل السادات والحاج ابوالحسن کازرانی.

****

1**. میرزا حبیب‌الله شریفی دشتکی**

 اما حکایت عهده‌داری منصب تولیت آن آستان متبرکه در خاندان حسینی شریفی موضوعی مفصل است که برای تبیین تولیت شاعر و اختلافات داخلی این خاندان بر سر این منصب لازم است به آن پرداخته شود. ابراهیم شریفی در کتاب گلچین شریفی درخصوص نخستین متولی این آستان می گوید:«در سال 795قمری امیرتیمور گورکانی پس از تسلط بر شیراز تولیت این آستان را به علامه میرشریف جرجانی واگذار می‌کند»(شریفی، 1244: 41). هرچند مستنداتی ارائه نمی‌دهد و این موضوع را به نقل از اسدالله خاوری استاد اسبق دانشگاه شیراز که خود از همین خاندان است بیان می‌کند. وی دوران تولیت میر شریف جرجانی را طی سال‌های 795تا816قمری بیان کرده است(همان: 56). همچنین پس از میر شریف فرزندش شمس‌الدین محمد طی سال‌های 816 تا838قمری عهده‌دار این منصب بوده و پس از وی علی شریفی از سال838 تا زمان فوت متولی آستان بوده است(همان: 56). از دیگر افراد این خاندان‌که عهده‌دار این منصب می‌شود، میرزا حبیب‌الله شریفی است. میرزا حسن فسایی چگونگی انتصاب او به تولیت آستان شاه‌چراغ(ع) را این‌گونه بیان می‌کند: «جناب مستطاب قدوۀ ارباب دانش و اسوۀ صاحبان بینش، عالم فاضل میرزا حبیب‌الله شریفی شیرازی سال‌ها به نشر علوم و مواعظ اقدام داشت و در سال 907قمری در مسجد جامع شیراز، بعد از ادای خطبه نام ائمه اثنا عشر را بگفت و چون این خبر به شاه سلطان مراد آق قونیلوی ترکمان رسید، حکم فرمود، او را زجر نموده، خانه‌اش را غارت کردند و در سال 909قمری که حضرت شاه اسماعیل صاحب قران به شیراز آمد و این واقعه را شنید زیان‌های او را تدارک فرمود و تولیت آستانۀ حضرت شاه‌چراغ(ع) را به او واگذار داشت»(فسایی، 1388: 943).

**2. شاه خلیل‌الله فرزند میرزا حبیب شریفی**

میرزا حسن فسایی در ادامه‌ مطلب بالا آورده است که جناب میرزا حبیب‌الله، ضیاع و عقاری از خود، وقفه آن آستانه نمود و مدرسه‌ای بساخت و نام آن را حبیبه گذاشت، پس تولیت آستانه را به«شاه خلیل‌الله» پسر بزرگ خود داد و تولیت مدرسه را به «شاه ابوالقاسم» پسر دیگر خود وا‌گذاشت و اوایل به زمان افغانی، اولاد ذکور شاه خلیل‌الله به میرزا بدیع نام، تمام گشت(همان: 943- ۹۴4).

**3. بدیع‌الزمان فرزند شاه خلیل‌الله**

محمد برکت دربارۀ‌ او چنین اظهار می‌کند که وی پس از فوت پدر تا سال ۱1۳۵ قمری متولی بلامنازع بوده است(برکت، 1379: 89)؛ اما در نسخه‌ خطی وقف‌نامه میرزا حبیب اله که از آن نام برده شد؛ وفات بدیع‌الزمان را سال ۱1۳۹ بیان نموده و این عبارت را آورده: «... تولیت بقعۀ متبرکه پس از شاه خلیل‌الله مطابق وقف نامچه که در سنۀ ۹۲۵ نوشته شده تا سنۀ ۱۱۳۹ که زمان فوت مرحمت پناه میرزا بدیع‌الزمان متولی شریفی که ذکور از ذکور اولاد مرحمت پناه شاه خلیل‌الله بوده که از زمان وقف تا زمان مرحوم مزبور214سال است، بدون دخالت مرحوم شاه ابوالقاسم و اولاد و احفاد او بوده است»(ر.ک: برگ4 وقف‌نامه میرزا حبیب اله شریفی). پس نامبرده تا سال 1139‌ق عهده‌دار تولیت آستان بوده‌اند.

**4. میرزا ابوطالب کلانتر دارالعلم شیراز**

وی از نسل آقا محمدحسین از سلسله سادات شریف حسنی است که به کلانتران سابق مشهور‌ند. او به میرزا ابوطالب ثانی معروف است و در سال 1130و‌ اند کلانتر دارالعلم شیراز گردید(فسایی، 1388، ج2: 1081).

او همواره به منصب تولیت آستان نظر داشته و آن را حق خود می‌دانسته است. چنانکه در فارس نامۀ ناصری آمده یک‌ بار پس از فوت میرزا بدیع‌الزمان مولی شاه‌چراغ(ع) موفق می‌شود منصب مذکور را تصاحب کند که با شکایت میرزا محمدحسین شریفی به نزد نادرشاه، وی را عزل نموده و نادرشاه علاوه بر منصب صاحب‌اختیاری، تولیت آستانه و مقداری طلا و قندیلی نقره جهت تعمیر آن بقعۀ منوره به میرزا محمدحسین شریفی می‌دهد(همان: 14-512).

میرزا محمد در روزنامۀ‌ کلانتر، موضوع چگونگی انتصاب دایی خود میرزا محمدحسین شریفی را شرح می‌دهد. وی بیان می‌کند که «در نیم فرسخی مایین به دست بوس خالوی بزرگوار میرزا محمدحسین مشرف شدیم که عازم شیراز و خدمت نادرشاه بودند و جهت این بود که در مشهدالنبی به خدمت آن پادشاه کیوان دستگاه رسیده، عرض کرده بود که تولیت بقعۀ مقدسۀ منعوته بعد از میرزا بدیع‌الزمان بنی عم من به من می‌رسد. لطف فرموده رقم خدمت مذکور را به من داده باشند. شاه در جواب گفته بود که شیراز حال به تصرف افغانان و ولایت نگرفته را بر من لایق نیست که خدمت و منصب آن‌جا را به کسی داده باشم. دعا کن بعد از تسخیر شیراز منصب اجدادی تو را شفقت می‌کنم. . . و نادرشاه به وعده وفا کرده رقم و خلعت مرحمت و به‌علاوه یک هزار و پانصد تومان به جهت تعمیر بقعۀ مقدسه و یک عدد قندیل طلا به وزن یک من و دویست و ده مثقال با زنجیر نقره نذر سرکار مذکور. . . دادند»(کلانتر، 1325: 6).

برای بار دوم در جایی دیگر از فارس‌نامه آمده؛ میرزا محمدحسین شریفی از میرزا ابوطالب کلانتر به نادرشاه شکایت کرده که در زمان استیلای محمدخان بلوچ بر شیراز موجب ضرر و خسران من گردید و اراده نمود که به ‌حکم محمدخان خدمت تولیت آستان مبارکه حضرت شاه‌چراغ(ع) را که در سفر سابق به من ارزانی فرمودید از دست من بگیرد. پس از تحقیق مدعی میرزا ابوطالب کلانتر را به چوب یاسا تادیب فرمود(فسایی، 1388: 528). گویا منبع این مطلب فارس‌نامه، مطالب میرزا محمد کلانتر است. وی در روزنامۀ کلانتر همین موضوع را بیان می‌کند: «نادرشاه از اصفهان به عزم تسخیر بغداد حرکت و روانۀ بغداد و محمد بلوچ را به ایالت کوه گیلویه تعیین نمود. چون بعد از شش ماه نادرشاه مغلوب و از بغداد وارد همدان‌که به تدارک مافات قیام و از توپال انتقام کشد؛ محمد(بلوچ) فرصت یافت با سرکردگان طایفۀ بلوچ و اعراب و عشایر خوزستان از نادرشاه روگردان شده و رفته رفته جمعیتی کرده، در وقتی که نادرشاه دو مرتبه به عزم تنبیه توپال عازم گردید (محمدبلوچ) وارد شیراز و با احمدسلطان مروی حاکم فارس مجادله و غالب شد. شیراز را به تصرف و بنای دست‌انداز گذارده؛ به تهیه و اسباب یاغیگری پرداخت و از آن جمله به تحریک میرزا ابوطالب کلانتر به ادعای پوچ که تولیت آستانۀ مقدسه را نادرشاه از من گرفته به بندگان صاحبی‌ام (میرزا محمدحسین شریفی) داده و مزخرفات بی مایه که نزد محمد بلوچ فرصت یافت مبلغی ضرر و خسارت به بندگان صاحبی‌ام و میمند وقفی آستانۀ متبرکه به سعایت میرزا ابوطالب رسید»(کلانتر، 1325: 10) و در ادامۀ همین مطلب آورده است که مجدد میرزا ابوطالب مخذول و مورد مواخذه و چوب و تأدیب و به مصداق آن‌که با آل علی هر که درافتاد برافتاد به او رسید(همان: 10).

**5. سید محمدحسین شریفی صاحب‌اختیار فارس، فرزند میرزا محمدقاسم (شاه ابوالقاسم فرزند حبیب‌الله شریفی دشتکی)**

در مطلب قبلی دربارۀ میرزا ابوطالب کلانتر، شمه‌ای از چگونگی انتصاب میرزا محمدحسین شریفی سخن رفت. میرزا حسن فسایی در جلد نخست فارس‌نامه‌ ناصری انتصاب وی را مفصل توضیح می‌دهد:«... حضرت شاه‌تهماسب، به سپهسالار (نواب تهماسب قلی خان) فرمود که به ‌شتاب تمام باید افغانان را از فارس بیرون کنیم و سپهسالار که همیشه در تدارک سلطنت برای خود بود عرض نمود که باید فرمان صادر گردد که هر جا و هر قدر وجه نقد و سیورسات ضرور شود بی سؤال و جواب، دریافت کنم و شاه تهماسب طوعاً او کرهاً قبول این مدعا را که در حقیقت تفویض سلطنت بود، نمود و بعد از ورود اشرف سلطان (افغان) به شیراز، تمامت افغانان از کهگیلویه و لارستان و یزد و کرمان، به شیراز آمده، مهیای جنگ با تهماسب قلی خان سپهسالار شدند. و نواب سپهسالار، با آنکه فصل زمستان بود... وارد تخت جمشید، 9 فرسخی شیراز گردید و میرزا محمدحسین شریفی شیرازی که بعد از چند سال دیگر به حکومت و صاحب‌اختیاری فارس رسید، خدمت نواب تهماسب قلی خان رسید و کیفیت جنگ با افغان و تسخیر شیراز را به عرض رسانید و در بین معروض داشت که تولیت آستانۀ مبارکۀ شاه‌چراغ(ع) «ابا عن جد» با پدران من بوده و بعد از وفات میرزا بدیع‌الزمان متولی سابق آستانۀ مبارکه که پسرعموی من بود، میرزا ابوطالب کلانتر شیراز، به وجه غصب، تصرف در املاک موقوفه و آستانۀ مبارکه نموده است. استدعا دارم که رقم تولیت و تصرف املاک موقوفه را به من عنایت فرمایید. طهماسب قلی خان صدور این رقم را به فال نیک گرفت که لیکن در جواب گفت: مگر نشنیده‌ای که گفته‌اند:

|  |  |
| --- | --- |
| چنین گفت با او خداوند رخش | به دشت آهوی ناگرفته مبخش |

 امیدوارم که بعد از حصول مقصود (غلبه بر افغانان و تسخیر شیراز) تولیت را به تو واگذارم... چون طهماسب قلی خان، قبل از تسخیر شیراز نذر کرده بود که بعد از فتح تولیت آستانۀ مبارکۀ شاه‌چراغ را به میرزا محمدحسین شریفی واگذارد، به وعده وفا نمود و به‌علاوه مبلغ یک هزار و پانصد تومان رایج آن زمان برای تعمیر بقعۀ مبارکه(به او می‌دهد)»(فسایی، 1388، ج 1: 512-514).

 با عنایت به‌ وقت‌نامه‌ میرزا حبیب‌الله شریفی که همچنان به‌صورت نسخه‌ خطی موجود است و با توجه به مطالبی که بیان شد، میرزا حبیب‌الله شریفی تولیت آستانه و املاک موقوفه‌ شاه‌چراغ(ع) را به شاه خلیل‌الله سپرده بود. از این جا اختلافات داخلی خاندان شریفی بر سر منصب تولیت آستان شاه‌چراغ(ع) رقم خورده است. آنچه در فارس‌نامه ناصری، سفرنامه‌ فضل‌الله خاوری و دیگر مدارک و کتاب‌ها گزارش‌شده، همواره اختلاف میان فرزندان شاه ابوالقاسم بود و به ‌جز یک مورد که در سفرنامۀ خاوری آمده، هیچ اختلافی میان فرزندان ذکور از اناث شاه خلیل‌الله با متولیان وقت که همواره فرزندان شاه ابوالقاسم بوده‌اند، یادی نشده است(ر.ک: برکت، 1397: 88-89). سال وفات میرزا حبیب‌الله شریفی و همچنین فرزندش شاه خلیل‌الله در دست نیست و مدت تولیت این دو برای ما مجهول است(همان: 89).

در وقف‌نامه و استشهادنامه که فرزندان ذکور از اناث بدیع‌الزمان پس از فوت آن تهیه نموده و مدعی تولیت بوده‌اند، مفصلاً به این موضوع پرداخته که در این‌جا به برخی نکات مطرح‌ شده در آن اشاره می‌کنیم. «تولیت بقعۀ متبرکه پس از شاه خلیل‌الله مطابق وقف نامچه که در سنه ۹۲۵‌قمری نوشته‌شده تا سنۀ ۱۱۳۹ که زمان فوت مرحمت پناه میرزا بدیع‌الزمان متولی آستان (ابراهیم شریفی در گلچین شریفی این تاریخ را اوایل سال 1135قمری بیان می‌کند) که ذکور از ذکور اولاد مرحمت پناه شاه خلیل‌الله بوده که از زمان واقف تا زمان مرحوم ۲۱۴ سال است. بدون دخالت مرحوم شاه ابوالقاسم و اولاد او بوده است به چه دلیل و به چه سند در زمان سلطنت نادرشاه که به شیراز جهت دفع افاغنه آمده و در سنه ۱۳۴۲‌قمری بوده است میرزا محمدحسین شریفی مدعی شده است که از اولاد ذکور شاه ابوالقاسم هستم و میدان را هم خالی دیده میرزا بدیع‌الزمان دشتکی مقتول از میان ‌رفته و میرزا بدیع‌الزمان شریفی متولی فوت کرده ۴00 نفر صغیر از ذکور و اناث باقی مانده، چون از اولاد و احفاد شاه ابوالقاسم و مستقل در کار دیوان بوده نادرشاه هم به ایشان واگذار کرده که موقوفه از میان نرود و ایشان هم ادعای تولیت بقعۀ متبرکه احمدیه را نموده و حال ‌آنکه این تفاصیل مفهوم از وقف‌نامه‌جات معتبره علی حده که نقل شد و فعلاً موجود است در ید سادات دشتکی تماماً بر ابطال ادعای مرحوم مزبور ناطق و برهان قاطع است. مگر اینکه در آن زمان از اولاد مرحمت پناه شاه خلیل‌الله متولی حقه شرعی به‌واسطۀ صغر سن و ضعف در حفظ موقوفات و نظم امور لازمۀ تولیت و قوی بودن مرحوم میرزا محمدحسین به علت اتصال و اتکال به سلطنت محض حفظ موقوفه و انتظام بقعه، خواهشمند تفویض امر تولیت به خود شده باشد و مستمسک به این مسئله شده باشد که از اولاد واقف بوده است. از مرحوم میرزا محمدحسین این استدعا را به خلاف قرارداد واقف و شرع پذیرفته باشند. علاوه بر آن‌ها سواد نوشته که بعد از فوت مرحمت پناه میرزا محمدحسین شریفی برحسب امر نادرشاه مداخله در بقعۀ متبرکه کرده و بعد از فوت مشارالیه، میرزا عبدالحسین دشتکی نوادۀ میرزا عبدالباقی اظهار کرده که به چه جهت تصرف در موقوفۀ ما کرده‌اند به ‌اشتباه نوشته درست کرده‌اند که آن نوشته در سنه ۱۱۶۸ نوشته‌ شده و میرزا محمدباقر ولد مرحوم میرزا ابوالقاسم، برادرزادۀ میرزا محمدحسین که در همان نوشته مرقوم داشته‌اند که به‌واسطۀ عدم رشد میرزا محمدباقر میرزا محمد برادر مشارالیه مدعی بوده که عبارت آن کاغذ به ‌طور خلاصه نوشته خواهد شد، سواد آنکه به دست آمد سبب این بود که در زمان حکومت مرحوم تهماسب میرزا، موئد الدوله حکومت فارس داشته، مرحمت و غفران پناه آقا میرزا بابای ذهبی جد امی اقل السادات برده بودند نزد مرحوم موید الدوله به جهت امضا و منشی مرحوم موید الدوله به‌ وسیله داده بود که سوادی از آن برداشته‌شده، حاضر است و خلاصه آن نوشته این است: چون بقعۀ متبرکه واجب‌التعظیم احمدیه علیه آلاف التحیه از قرار و قضیه و استمرار بعد از فوت رضوان جایگاه میرزا حبیب‌الله واقف به اولاد اکبر آن شاه خلیل‌الله بوده و بعد از فوت متولی ثانی به ولد اکبرش و کذالک الی فوت میرزا بدیع‌الزمان شریفی متولی، بعد از فوت میرزا محمدحسین، خلاصه السادات میرزا عبدالحسین خلف مرحوم میرزا عبدالباقی دشتکی که ذکور از اناث میرزا بدیع‌الزمان متولی شرعی بود مذکور نمود که تولیت بقعۀ متبرکه بعد از انقراض ذکور شاه خلیل‌الله متولی ثانی، به اولاد ذکور از اناث همان متولی ثانی (شاه خلیل‌الله) است و مطلقاً اولاد شاه ابوالقاسم را دخلی نمی‌باشد»(برگ6-8 نسخۀ خطی وقف‌نامه میرزا حبیب‌الله شریفی).

**6. سید محمدباقر شریفی فرزند سید ابوالقاسم شریفی**

وی برادرزاده سید محمدحسین شریفی است که پس از فوت سید محمدحسین شریفی صاحب‌اختیار، تولیت به برادرزاده‌اش سید محمدباقر شریفی (متوفای 1232ق) می‌رسد. در این دوره، سید حسین دشتکی که از فرزندان ذکور از اُناث شاه خلیل‌الله بوده، مدعی و منازع سید محمدباقر شریفی بود. سید محمدباقر شریفی با اینکه عمر طولانی داشت اما در عمل هیچ‌ گاه تولیت را به دست نداشت. در ابتدا سید محمدخان کلانتر فارس (میرزا محمد کلانتر) و خواهرزادۀ صاحب‌اختیار(میرزا محمدحسین شریفی) با نفوذی که داشت نایب التولیه شد و اختیارات موقوفه را به دست گرفت و سپس تا سه نسل بعد از او نیز این امر ادامه داشت(برکت، 1397: 90). سید محمدباقر شریفی در نجف اشرف می‌زیسته(ر.ک: شریفی، 1244: 45) به همین دلیل میرزا محمدخان کلانتر نایب التولیه‌ آستان می‌گردد.

**6-1. میرزا محمدخان کلانتر از ۱1۶۸ تا1200ق(نائب التولیه)**

 در صفحات دیگر نسخه‌ استشهاد مذکور برخی از گواهان و شاهدان صریحاً به نام میرزا محمد کلانتر و فرزندان او اشاره نموده‌اند که از نظر شرعی حقی در تولیت آستان‌ شاه‌چراغ(ع) ندارند. در این­جا تنها به یک مورد از آن بسنده می‌کنیم: «شهادت مرحمت و غفران پناه جنت و رضوان آرامگاه آقا محمد اسماعیل ابن آقا فضل‌الله وزیر مملکت فارس مرقوم فرموده است. اقل الخلیفه به کرات از مرحوم مغفور جنت و رضوان آرامگاه والدم و بعضی از موثقین استماع نمودم و علم به جهت حقیر حاصل شد تولیت آستانۀ منورۀ مقدسۀ متبرکۀ احمدیه از دیوان اعلی تفویض به مرحوم مغفور رضوان جایگاهی میرزا محمدحسین و میرزا محمد کلانتران سابق شد و حق شرعی سادات دشتکی است و غیری را مدخلتی نمی‌باشد العلم عند الله» (برگ 26نسخه خطی وقف‌نامه میرزا حبیب‌الله شریفی). ابراهیم شریفی بیان کرده که پس از فوت میرزامحمدکلانتر در سال 1200قمری سید محمدباقر شریفی از نجف سید عبدالنبی شریفی را به جانشینی خود معرفی می‌کند. وی از این تاریخ رسماً متولی شاه‌چراغ(ع) می‌گردد؛ اما معارضین او و متولی بعد از او یکی پس از دیگری به‌ عنوان نایب التولیه در امور تولیت و موقوفات تصرفاتی نموده‌اند. سپس از میرزامحمدکلانتر و فرزندانش میرزا ابوالقاسم، میرزا محمدحسین عالی و فرزند وی میرزا احمد روشن (متولی باشی) نام می‌برد (ر.ک: شریفی، 1244: 46-7).

**6-2. میرزا ابوالقاسم فرزند محمدخان کلانتر از ۱۲۰۰-1238قمری**

میرزا محمدباقر نسابه که از گواهان طومار استشهاد سادات دشتکی بوده، آورده است: «اقل سادات از مرحمت پناه والد خود و جمعی از معمرین استماع نمودم که تولیت بقعۀ متبرکه احمدیه با سادات دشتکی است و علم حاصل نموده‌ام که مرحمت پناه میرزا سید حسین جد عالی‌شان مستشهد با مرحمت پناه میرزا محمد کلانتر سابق که در زمان کریم‌خان تولیت تفویض به او بوده حرف در میان داشته‌اند و مکرر از مرحمت پناه میرزا ابوالقاسم ولد مرحمت پناه میرزا محمد استماع نمودم که می‌گفت تولیت من تفویضی است... »(طومار خطی استشهاد سادات دشتکی).

**6-3. میرزا محمدحسین عالی فرزند میرزا محمدخان کلانتر از ۱۲۳۸-1240قمری**

یکی دیگر از گواهان نسخه‌ خطی گواهی اول شیخ عبدالعلی امام جماعت مسجد جامع عتیق است. در استشهاد وی که در پنج‌شنبه 13 شوال سال 1238 بیان نموده، آمده است: «بسم‌الله الرحمن الرحیم اقل طلبه از جمعی که اعتمادی به قول ایشان دارم و ثقه می‌دانم؛ از ایشان شنیدم که تولیت شرعی آلان با سادات دشتکی می‌باشد و حق، حق ایشان است و حضراتی که آلان متصرف‌اند غاصب‌اند و کمترین، علم دارم و از خود میرزا محمدحسین استماع نمودم که تولیت ایشان تفویضی می‌باشد...» (همان). وی در اثر بیماری تب دق که سالیان درازی با آن دست‌وپنجه نرم می‌کند در سال 1240قمری از این منصب کناره‌گیری می‌کند و تولیت آستانه را به فرزندش میرزا احمد متولی باشی واگذار می‌کند و در سال1246قمری فوت نموده است(ر.ک: برگ64 نسخه خطی دیوان میرزا احمد متولی باشی).

**6-4. احمد روشن فرزند محمدحسین عالی از سال ۱۲۴۰-1256قمری**

میرزا حسن حسینی فسایی در فارس نامۀ ناصری به تولیت میرزا احمد متولی باشی اشاره نموده است(ر.ک: فسایی، ۱۳۸8: ۹۴۴). میرزا احمد متولی باشی متخلص به روشن و ملقب به روشن عالی گُهر در دیوان اشعار خود بارها به منصب تولیت خود اشاره نموده است.

 در فارس‌نامه‌ ناصری نامی از سید محمدباقر شریفی و میرزا ابوالقاسم فرزند محمدخان کلانتر نیامده و همچنین گزارشی از نیابت تولیت یا تولیت میرزا محمدخان کلانتر نیست. فقط محمدحسین عالی و میرزا احمد روشن را متولی شاه‌چراغ(ع) معرفی کرده است(برکت، ۱۳۹۷: 90). در چندین جای نسخۀ خطی دیوان اشعار میرزا احمد متولی باشی (روشن) وی اشاره به تولیت خود بر آن آستان‌ مبارکه دارد. روشن در قصیده‌ای در مدح صدراعظم به این منصب اشاره می‌کند:

|  |  |
| --- | --- |
| منصب من خدمت سالاری شاه‌چراغ | زاده (ی) موسی امام هفتم آن سبط بشیر |
|  | (برگ ۹۲ ن خ) |

 همچنین در جاهای دیگری از این نسخه‌ خطی می‌گوید:

|  |  |
| --- | --- |
| دست به من گردش سپهر ندارد | تا به دَرِ خسرو سپهر جنابم |
| از دل و جان خانه زاد شاه‌چراغم | «روشن» از آن نسبت اوفتاد خطابم |
|  | (برگ158 ن خ) |
| به قدر درگه شاه‌چراغ را خادم | ولی رعیت میمند را خداوندم |
|  | (برگ164 ن خ) |

**7. فضل‌الله خاوری فرزند سید عبدالنبی شریفی۱۲۵۶-1267قمری**

میرزا حسن فسایی در فارس‌نامه دربارۀ او می‌گوید: «در حدود سال 1190 و‌ اند در شیراز متولدشده، بعد از کسب کمالات، ندیم مخصوص نواب اشرف والا حسین‌علی میرزا فرمانفرمای فارس گردید. پس مسافرت به‌جانب تهران نمود»(فسایی، 1388: 945). میرزاعلی‌اکبر نواب در تذکره‌ دلگشا نیز مطالبی دربارۀ وی بیان می‌کند: «در آن‌جا با بزرگانش برخاست و نشست دست داد، در خدمت میرزا محمد شفیع صدراعظم... اعتبار یافت چند آن‌که محل اعتماد و اعتقاد جناب صدارت مآب آمد و به تحریر رسیله جات و تسطیر فرمایشات مشغول بود... بعد از آن‌که مسند صدارت از وجود صدر معظم خالی ماند، حسب‌الامر اقدس به وزارت شاهزاده آزاده، همایون میرزا المتخلص به حشمت سرافراز گردید»(نواب، 1371: 624).

میرزا احمد متولی باشی در اشعار خود در نسخۀ خطی مورد تحقیق به تولیت خود، پدر و اجدادش اشاره می‌کند. پر واضح است که حکایت از همین اختلافاتی است که شرح آن پیش‌تر بیان شد. او در قصیده‌ای که در مدح وزیر فارس سرود است از فضل‌الله شریفی (متخلص به خاوری فرزند سید عبدالنبی شریفی و صاحب تاریخ ذوالقرنین) نام می‌برد که مدعی تولیت موقوفه‌ میمند و منصب تولیت حضرت شاه‌چراغ است:

|  |  |
| --- | --- |
| شکوه‌ها دارم ز بخت واژگون ز آن‌ها یکی | دعوی خصم است بهر مال میمند خراب |
| حرف خصم این است کاین منصب سزاوار من است | یاوه‌گو را مشت باید بر دهن جای جواب |
| هفتصد سال است افزون، که این ده ویران بود | وقف بر شاه‌چراغ آن سید عالی‌جناب |
| خدمت سالاری این بقعه و آن دهکده | بر جهان روشن بود مانند نور آفتاب |
| قرن‌ها بوده است این منصب نیاکان مرا | حالیا وارث منم از بعد جدّ و عم و باب |
| گر نداری باور از من، ‌هان فرامینم ببین | ور ندانی قول من صادق، براهینم بیاب |
|  | (برگ 72ن خ) |

 میرزا احمد متولی باشی در قصیده‌ای دیگر در مدح نایب الایالۀ اعظم فرهاد میرزا معتمدالدوله از فضل‌الله شریفی گله و شکایت می‌کند. گویا با پیگیری‌ها و فشارهایی که فضل‌الله شریفی(خاوری) بر میرزا احمد می‌آورد، منصب تولیت را از دست میرزا احمد روشن خارج می‌سازد:

|  |  |
| --- | --- |
| اگر چه نیست زبانم، ز خاوری به فغانم | کزو به جان و جنابم ستیزه بیش‌تر آمد |
| به عنف خواست که راند مرا به خواری و زاری | ز درگهی که پدر بر پدر مرا مقر آمد |
| به خانه (ای) که رهی مستحق ز جد و پدر شد | یکی بپرس که وی از چه باب مستقر آمد |
| به روزگار مرا افتخار بود زمانی | کنون رقیب به نام من از چه مشتهر آمد |
| به خود گمان گناهی نمی برم ز چه آیا | روان بی گنه من سزای پادفر آمد |
| سزد اگر رَوَدَم خونِ دل ز دیده چو جیحون | که از او مرا به رگ جان هزار نیشتر آمد |
| رقیب کج نظر از من گر این سخن نیوشد | عیان بود که از اصغای این ترانه کر آمد |
| کنون تو از ره انفاق سوی من نظر افکن | که خاک تیره ز فیض نظاره (ی) تو زر آمد |
|  | (برگ ۹۵ ن خ) |

میرزا احمد متولی باشی در غزلی در تقاضا به حسینعلی میرزا حاکم فارس می‌گوید:

|  |  |
| --- | --- |
| حرف خصم است کاینچنین منصب ز ما بوده است پیش | گو ببین تا پیش از این اورنگ شاهی با که بود |
| حق به روی شه در دولت گشود و شه به من | مدعی گو پشت سر می‌خار بی گفت و شنود |

(همان: 96)

 برکت در بخشی از مقاله‌ خود در تأیید این موضوع به نقل از خاوری در تاریخ ذوالقرنین آورده است: «بنابراین تولیت همچنان در دست فرزندان محمدخان کلانتر می‌ماند تا اینکه خاوری در سال ۱۲۵6 به شیراز می‌آید. وی در تاریخ ذوالقرنین که از تألیفات خودش است می‌گوید: در سنه یک هزار و دویست و پنجاه‌وشش، که فرمانروایی مملکت فارس به نام نامی نواب ولیعهد دوران ناصرالدین میرزا نامزد شد، شاهنشاه آگاهش از جانب سرکار ولیعهدی نایب الایاله آن مملکت فرمود. مؤلف این روزنامچه همایون نیز در رکاب او روانۀ وطن مألوف شدم و از وفور التفات حضرتش، مالک املاک موروثی اجدادی آمدم. تولیت بقعۀ متبرکۀ جناب سید امیر احمد بن امام الهمام موسی بن جعفر (علیهم السلام)، که موروثی آباء عظام این صداق فرجام و سال‌ها غصباً به دست بنی اعمام بود، از وفور حضرتش به دست آمد و این حسن عدالت و انصاف، گوشزد ابناء ایام از هر بلند و پست شد»(برکت، ۱۳۹۰: ۹۱). ابراهیم شریفی نیز دراین‌باره به نقل از خاوری می‌گوید: «تا سال 1256ق تولیت از اولاد ذکور واقف خارج و برخلاف نظر واقف در دست اولاد اوناث بود و مرحوم والد و اعمام و برادرم را ممکن نشد که بتوانند استرداد نمایند. حقیر پس از 35 سال به موطن مالوف آمدم و این انتقال پس از 88 سال به لطف ایزدی با این خاندان برگزار شد»(شریفی، 1344: 64). در ادامه این شعر از خاوری را می‌آورد که در این‌جا به ابیاتی از آن بسنده می‌کنیم:

|  |  |
| --- | --- |
| از قرار شیخ و حکم شرع و توقیع ملک | نی غلط کردم خطا گفتم به لطف ایزدی |
| میرزا احمد زکف بگذاشت کار تولیت | بقعۀ شاه‌چراغ آمد بری از هر بدی |

حکم تولیت و تصرف در جمیع موقوفات از سوی سرکار نواب نایب الایاله فرهاد میرزا به نام فضل‌الله خاوری صادر می‌شود(همان: 65) اما خاوری به دلیل سکونت در تهران و اشتغال در دربار قاجاری منصب نایب التولیه را به برادرش میرزا ابوالقاسم راز واگذار می‌کند. میرزا احمد متولی باشی خود در اشعارش به از دست دادن این منصب اشاره می‌کند:

|  |  |
| --- | --- |
| غم زمانه نصیب من است «روشن» از آن رو | که منصبی به در داور زمانه ندارم |
|  | (برگ 160 ن خ) |

**8. سید ابوالقاسم راز شیرازی، فرزند سید عبدالنبی و برادر سید فضل‌الله خاوری ۱۲۶۷-1286قمری**

فارس‌نامۀ ناصری او را این‌ گونه معرفی می‌کند: «سید مرشد و شیخ موحد، قدوۀ اولی النفوس و اسوۀ ذوی القلوب، ظاهر الاحساب، طاهر الانساب میرزا ابوالقاسم شریفی حسینی «راز» تخلص، مشهور به میرزا بابای درویش ذهبی متولی آستانه مبارکه حضرت شاه‌چراغ و شیخ طریقه سلسله ذهبیه... »(فسایی، 1388: 947).

 علی‌اکبر کلانتری نیز در کتاب آفتاب شیراز متولیان آستانۀ حضرت شاه‌چراغ(ع) را معرفی می‌نماید. دربارۀ نفر پنجم از این متولیان را که میرزا احمد روشن است عنوان می‌نماید: «نوشته‌اند میرزا احمد، متخلص به روش فرزند میرزا محمدحسین عالی فرزند میرزا محمد کلانتر شیرازی که از شاعران قرن سیزدهم هجری است نیز مدتی، تولیت این حرم را بر عهده داشته است. ولی با توجه به اینکه وی معاصر با میرزا ابوالقاسم راز بوده است، این سخن، می‌تواند بدان معنا باشد که وی، در تولیت و ادارۀ امور حرم، با راز همکاری داشته، یا در غیاب او، عهده‌دار این کار بوده است»(کلانتری، ۱۳۹۰: 188) که با عنایت به مطالب پیشین که حاکی از اختلافات بر سر منصب تولیت حرم شاه‌چراغ(ع) است و تاریخ تولیت میرزا فضل‌الله خاوری از سال ۱۲۵۶ تا ۱۲۶۷ و تولیت برادر او میرزا ابوالقاسم را از سال ۱۲۶۷ تا ۱۲۸۶ که محمد برکت آن را استخراج و عنوان نموده‌اند و همچنین با توجه به فوت میرزا احمد روشن در سال ۱۲۶۱قمری پس نمی‌توان عنوان نمود که میرزا احمد روشن با میرزا ابوالقاسم راز همکاری داشته یا در غیاب او عهده‌دار کار تولیت بوده است و با دلایلی که ذکر شد درست نمی‌نماید.

میرزا احمد متولی باشی در یک رباعی که گویا به میرزا ابوالقاسم راز سرسلسلۀ دروایش ذهبیه (برادر میرزا فضل‌الله خاوری) اشاره دارد چنین می‌سراید:

|  |  |
| --- | --- |
| ای داده به باد رسم دور‌اندیشی | مپسند از این بیش به ما دل ریشی |
| بگذر که گذشتیم به طوع الرغبه | ما از سر منصب و تو از درویشی |
|  | (برگ 198 ن خ) |

احتمالا این رباعی به زمانی تعلق دارد که میرزا احمد روشن تولیت حرم مطهر را از دست ‌داده است. پس از او به میرزا فضل‌الله خاوری و سپس به برادر او میرزا ابوالقاسم راز رسیده است. روشن گاهی در اشعار به این موضوع (از دست رفتن منصب خود) اشاره و شکوه می‌کند:

|  |  |
| --- | --- |
| غم زمانه نصیب من است «روشن» از آن رو | که منصبی به در داور زمانه ندارم |
|  | (همان: 160) |
| رفت از سر «روشن» هوس منصب عالی | چون دید تبه حالی معزول وزیران |
|  | (همان: 172) |

**9. سید جلال‌الدین محمد مجد الاشراف فرزند میرزا ابوالقاسم راز شیرازی1286-1331قمری**

از جناب میرزا بابای راز شش نفر پسر باقی‌مانده است که یکی از این افراد جناب سیادت انساب، جلیل الاصل، جمیل الوصف... مجدالاشراف میرزاجلال‌الدین محمدذهبی متولی آستانه شاه‌چراغ(ع)که در سال1249قمری متولد گشته... (فسایی، ج2: 947) که پس از پدر عهده‌دار تولیت می‌شود. اختلاف بر سر این منصب در دورۀ مجدالاشراف نیز ادامه پیدا می‌کند. در نسخۀ خطی وقف‌نامه که بیانگر مرافعه میرزا احمد مستوفی (سادات دشتکی) با وی است چندین بار دربارۀ این موضوع مطالبی بیان‌شده است. در این‌جا به یکی از این موارد به ‌صورت مختصر اشاره می‌کنیم: «... در مَحکمۀ مُحکمۀ مرحمت و غفران پناه جنت و رضوان آرامگاه حاجی آقا محمد مجتهد طاب اله الثراه ولد مرحمت و غفران پناه حاجی محمدحسن مجتهد اعلی اله مقامه، جناب آقا میرزا جلال‌الدین مجد الاشراف را حاضر کرده‌اند و مرافعه شرعیه نموده‌اند حکمی که بر اثبات تولیت و حقیت مرحمت پناه حاجی میرزا احمد مستوفی عم نوشته‌اند»(نسخۀ وقف‌نامه میرزا حبیب‌الله شریفی). این حکم تماماً نوشته شده و نام بزرگانی که به‌ عنوان شهود در این محکمه حاضر و ناظر بوده‌اند را بیان داشته که برخی از آنان عبارت‌اند از: فخرالمجتهدین الشیخ محمدحسن المجتهد آل عصفور، زین المجتهدین الشیخ موسی المجتهد البحرانی و . . . همچنین تاریخ آن را سال 1289قمری ذکر کرده‌اند.

فارس‌نامه ناصری میرزا احمد مستوفی را این‌گونه معرفی کرده است: پسر دوم مرحوم میرزا بابای مستوفی (میرزا عبدالحسین مشهور به میرزابابای دشتکی مستوفی که در سال1238 طومار استشهادی نخست را تهیه‌کرده بود) قدوه‌ اخیار و زبده‌ی ابرار حاجی میرزا احمد مستوفی دشتکی شیرازی تا آن‌که به منصب استیفای دیوانی برقرار بود اقدامی در لوازم آن ننمود و عمر خود را در طاعات و عبادات ایزد متعال گذرانید و در سال 1300 به رحمت ایزدی پیوست(فسایی، 1388: 1059). به نظر می‌رسد با فوت وی همچنان تولیت آستانه در دست مجدالاشراف باقی می‌ماند. درخور توضیح است که پسر دوم میرزابابای راز، میرزا محمدرضا برادر مجدالاشراف نیز در زمان تصدی تولیت وی مقام نایب التولیه آستان رابرعهده داشته است.

**سادات دشتکی**

میرزا عبدالباقی دشتکی شیرازی اجلۀ سادات دشتکی شیرازی است. او دخترزاده‌ میرزا بدیع‌الزمان (فرزند شاه خلیل‌الله متولی شاه‌چراغ(ع) و نوه‌ میرزا حبیب‌الله شریفی دشتکی واقف بقعه‌ متبرکه) است. وی، فرزندان و نوادگان همگی همان اولاد ذکور از اولاد اُناثی بودند که در وقف‌نامه میرزا حبیب‌الله شریفی و طومار نسخۀ استشهادی گواهان از آنان نام می‌برد و هیچ‌ گاه نتوانستند به منصب تولیت حضرت شاه‌چراغ(ع) برسند.

**نتیجه‌گیری**

آستان مقدس حضرت احمد بن موسی الکاظم شاه‌چراغ(ع) از آغاز تاکنون به ‌عنوان قطب مذهبی و مأمن اجتماعی در جنوب کشور مورد توجه قرار داشته است. به‌ تبع آن منصب تولیت آن بقعۀ متبرکه جایگاهی مهم تلقی گردیده است. مقامات سیاسی و حکومتی از ادوار گذشته تاکنون همواره بر این جایگاه نظر داشته و بر انتصاب متولیان، کارکرد و وظایف آنان نظارت و دخالت داشته‌اند.

پس از فوت بدیع‌الزمان، افرادی (**9نفر**) که دارای مناصب سیاسی بوده و به هرم قدرت نزدیک بودند توانستند منصب تولیت آستان را تصرف کنند. و این موضوع (نزدیکی به کانون‌های قدرت و مناصب سیاسی) بیشترین سهم را در به دست آوردن تولیت این بقعه‌ شریف دارد. این افراد عبارت‌اند از: میرزا ابوطالب **کلانتر**، میرزا محمدحسین شریفی **صاحب‌اختیار**، میرزامحمد**کلانتر** (برادر و فرزند و نوه‌ او به‌واسطه جایگاه سیاسی میرزا محمد کلانتر) میرزا فضل‌الله خاوری **منشی دربار** قاجار و در ادامه برادر و برادرزادگانش به‌واسطه‌ جایگاه خاوری در دربار که همگی از افراد ذی نفوذ، صاحب منصب و متصل به کانون قدرت بودند.

بنابر وقف‌نامه و استشهاد گواهان میرزا حبیب‌الله شریفی و طومار استشهاد سادات دشتکی، در واقع وارثان اصلی تولیت شاه‌چراغ(ع) و فرزندان ذکور از اولاد اُناثی که واقف (میرزا حبیب‌الله شریفی) اذعان می‌کند که متولی بقعه و موقوفات پس از خود هستند، این افراد بودند. اما به دلیل عدم نفوذ و عدم اتصال به کانون قدرت و منصب‌های سیاسی هیچ‌گاه نتوانستند به‌حق واقعی خود دست یابند.

فرزندان شاه ابوالقاسم طبق نظر واقف (میرزا حبیب‌الله شریفی) متولی مدرسه حبیبه بوده و نباید در تولیت آستان دخالت می‌کردند؛ اما به‌ واسطه نفوذ در دربار، از زمان نادرشاه افشار منصب تولیت را تصاحب نموده (میرزا محمدحسین شریفی صاحب‌اختیار فارس) و تا زمان میرزا احمد متولی باشی (از سال 1168 تا 1256قمری به مدت 88 سال) این منصب در دست آنان است تا با اعمال قدرت و نفوذ فضل‌الله خاوری و جایگاه وی در دربار قاجار این منصب از دست آنان خارج می‌شود و خود و برادر و برادرزادگان متولی این بقعۀ متبرکه می‌شوند. هر چند سادات دشتکی با این متولیان نیز مدام مرافعه داشته و تولیت را حق مسلم خود می‌دانستند اما هیچ ‌گاه به این منصب دست نیافتند.

**فهرست منابع و مآخذ**

**-** برکت، محمد. (1397). «نسخه‌شناسی موقوفات آستان مقدس احمد بن موسی الکاظم شاه‌چراغ(ع) (مطالعه موردی: وقف نامه میرزاحبیب الله شریفی». *فصل‌نامه رهیافت فرهنگ دینی.* س اول. ش1. صص:87-93.

- بی‌نا. ( 1238ق). *نسخه خطی استشهاد و گواهی گواهان*. بخش اسناد اداره کل اوقاف استان فارس.

- بی‌نا. (1311ق). *نسخه خطی وقف نامه میرزا حبیب‌الله شریفی و استشهاد و گواهی گواهان*. شماره ثبت2536. مرکز پژوهش‌های آستان شاه‌چراغ(ع).

- شریفی، ابراهیم.(1344). *گلچین شریفی یا چراغ ایمان*. شیراز: چاپ جهان‌نما.

- فسایی، میرزا محمدحسن. (1388). *فارس‌نامه ناصری*. ج 1و2. تهران: انتشارات امیرکبیر.

-کلانتر، میرزا محمد. (1325). *روزنامه‌ میرزا محمد کلانتر*. به اهتمام عباس اقبال. تهران: شرکت سهامی چاپ.

-کلانتری، علی‌اکبر. (1390). *آفتاب شیراز*. شیراز: انتشارات دانشگاه.

- میرزا احمد متولی باشی. (1282ق). *نسخه خطی دیوان اشعار*. شماره ثبت30. مرکز پژوهش‌های آستان شاه‌چراغ(ع).

- نواب شیرازی، علی‌اکبر. (1371). *تذکره دلگشا*. شیراز: نوید.

1. دانشجوی دکترای زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر، بوشهر، ایران: ZiyaMohammadReza@Gmail.Com [↑](#footnote-ref-1)
2. استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر، بوشهر، ایران، **(**نویسنده مسئول**)**: Sahkazerooni@yahoo.com [↑](#footnote-ref-2)
3. استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر، بوشهر، ایران: jafarhamidi@yahoo.com [↑](#footnote-ref-3)